



نظریه‌های سلطه‌ارتباطی جهانی

دکتر کاظم معتمدنژاد



مفاهیم جدید امپریالیسم: «امپریالیسم فرهنگی» و «امپریالیسم ارتباطی»
برای شناخت بیشتر مفهوم «امپریالیسم»، ابتدا نمونه‌ای از دیدگاه‌های بعضی از متفکران محافظه‌کار غربی، که این مفهوم را به صورت عام برای هر نوع نظام سلطه‌طلب به کار می‌برند و بدین لحاظ رژیم اتحاد جماهیر شوروی (سابق) را هم امپریالیست معرفی می‌کنند، یادآوری می‌شود و سپس به تعریف مشهور «لنین» راجع به «امپریالیسم»، اشاره می‌گردد و آنگاه نمونه‌هایی از تعریف‌هایی، که در دو دهه گذشته، از سوی اندیشوران و پژوهشگران رادیکال در مورد «امپریالیسم فرهنگی» و «امپریالیسم ارتباطی»، بیان شده‌اند، ارائه می‌گردند.

— «ریمون آرون»، متفکر و جامعه‌شناس معاصر فرانسوی، در یکی از کتاب‌های مهم خود، به نام «صلح و جنگ بین ملت‌ها»، درباره «امپریالیسم»، چنین نوشته است:

در سه دهه اخیر، به موازات آگاهی‌های روزافزون جوامع استقلال‌طلب آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین، به شیوه‌های جدید و غیرمستقیم سلطه جهانی کشورهای سرمایه‌داری غربی، مفهوم‌های ویژه‌ای مانند «امپریالیسم فرهنگی» - Cultural Imperialism (E.) - Imp'erialisme Culturel (F.) ارتباطی «ارتباطی» - Communication or Media Imp'erialism (E.) - Imperialisme des Communications ou des M'edias (F.) برای معرفی این شیوه‌ها، به کار گرفته شده‌اند. مفهوم‌های اخیر، که از اواخر دهه ۱۹۶۰، در سخنرانی‌ها و نوشته‌های متفکران و محققان انتقادیگر غربی و جهان سوم، وارد گردیده‌اند، از واژه معروف «امپریالیسم» به معنای خاص آن در اندیشه‌های مارکسیست و مخصوصاً افکار «ولادیمیر ایلیچ لنین» بنیانگذار اتحاد جماهیر شوروی سابق، اقتباس شده‌اند.

«... امپریالیسم، با توجه به معنای لغوی آن، که از کلمه «امپراتوری» (E.F. Empire) در زبان‌های لاتین ریشه می‌گیرد، معرف «رفتار دیپلماتیک و استراتژیک یک واحد سیاسی است که یک امپراتوری را پایه‌گذاری می‌کند و به عبارت دیگر، مردم سایر کشورها را به اطاعت از قوانین خود وادار می‌نماید». براین مبنای، از امپریالیسم یونانی، رومی، آمریکایی یا شوروی صحبت می‌شود. با این مفهوم، «هر قدرت بزرگ ایدئوکراتیک، دارای هر نظام اقتصادی که باشد، در صورتی که کوشش کند اندیشه‌ای را گسترش دهد و یا در خارج خاک خود، یک روش حکومتی معینی را به زور تحمیل نماید، «امپریالیست» به‌شمار می‌رود، به‌رحال، چنین کوششی، برای دولت‌هایی که می‌خواهند از نهادهای خباص خود حراست کنند، امپریالیستی جلوه می‌کند»^۲.

امپریالیسم، با در نظر گرفتن مفهوم اشتقاقی آن، به ترتیبی که «وا. لنین» پیشنهاد می‌کند، به منزله «مرحله عالی سرمایه‌داری» L'Imperialisme, state supr'eme, du Copitalisme محسوب می‌شود. به عقیده لنین، «تمرکز سرمایه و تلاش برای استقرار انحصارها به جای رقابت مؤسسات، کشورهای پیشرفته را وادار می‌کند که بیش از پیش در خارج خاک خود به جست‌وجوی مواد اولیه و بازارهای فروش مورد لزوم خویش بپردازند». استعمار، تقسیم جهان و امروزه، استعمارنو، مظاهر اصلی «امپریالیسم» اند. با توجه به مفهوم اخیر، صفت «امپریالیست» فقط در مورد دولت‌های سرمایه‌داری صدق می‌کند.^۳

دوره پس از جنگ جهانی دوم، به دنبال استقلال سیاسی سرزمین‌های آسیایی و آفریقایی و آمریکای لاتین، مفهوم «امپریالیسم» کاربردهای وسیع‌تری پیدا کرد و به تدریج، به پیروی از کاربرد آن، به معنای مورد نظر «لنین» و برخی دیگر از متفکران سوسیالیست برای معرفی شیوه‌های سلطه‌جویی سرمایه‌داری جهانی، بسیاری از اندیشه‌وران انتقادنگر غربی و جهان سومی، مفهوم‌های جدیدی، چون «امپریالیسم فرهنگی» و «امپریالیسم ارتباطی» را به‌کار گرفتند.

الف. «امپریالیسم فرهنگی»

معرفی شیوه‌های نوین سلطه فرهنگی سرمایه‌داری، ظاهراً نخستین بار، در کنفرانسی که در سال ۱۹۶۹، به مناسبت دهمین سال

■ در سه دهه اخیر، به موازات آگاهی‌های روزافزون جوامع استقلال طلب آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین، به شیوه‌های جدید و غیرمستقیم سلطه جهانی کشورهای سرمایه‌داری غربی، مفهوم‌های ویژه‌ای مانند «امپریالیسم فرهنگی» و «امپریالیسم ارتباطی» برای معرفی این شیوه‌ها، به‌کار گرفته شده‌اند.

■ ظاهراً نخستین بار، در کنفرانسی که به مناسبت دهمین سال پیروزی انقلاب کوبا در هاوانا تشکیل شد، واژه «امپریالیسم فرهنگی» مورد استفاده قرار گرفت و از آن پس این واژه و واژه‌های جدید دیگری، نظیر «امپریالیسم ارتباطی» و «امپریالیسم خبری» رواج یافتند.

پیروزی انقلاب کوبا، با شرکت بیش از ۳۰۰ تن از متفکران و محققان جهان از جمله، «برتراند راسل» و «ژان پل سارتر» فیلسوف‌های معروف انگلیسی و فرانسوی، در «هاوانا» تشکیل شد، به شکل عینی در آمد. در این کنفرانس، بعضی از شرکت‌کنندگان در مقاله‌های خویش، واژه «امپریالیسم فرهنگی» را به‌کار بردند و از آن پس، این واژه و واژه‌های جدید دیگر، مانند «امپریالیسم ارتباطی» و «امپریالیسم خبری» - Information Imperialism (E.) و «امپریالیسم ارتباطی» - Imp'erialisme de L' Information (F.) رواج یافتند.

در میان محققان ارتباطی رادیکال غربی، که در سه دهه اخیر، به مطالعات مربوط به شیوه‌های جدید سلطه فرهنگی و ارتباطی سرمایه‌داری، توجه خاص داشته‌اند، «هربرت شیلر» Herbert I. Schiller آمریکایی، استاد دانشگاه کالیفرنیا، مقام برجسته‌ای دارد. وی در یکی از مهم‌ترین آثار خود، به نام «ارتباطات و سلطه فرهنگی»^۴ که در سال ۱۹۷۶، منتشر کرده است، برای معرفی مظاهر سلطه سرمایه‌داری معاصر، بر «ایدئولوژی امپریالیسم ارتباطی»، تأکید گذاشته است.

به عقیده وی، از سال‌های جنگ جهانی دوم، در همان حال که ایالات متحده آمریکا با کمک نظامی به انگلستان و فرانسه برای از پادراوردن آلمان هیتلری و به‌دست گرفتن رهبری قدرت جهانی تلاش می‌کرد، برنامه‌ها و سیاست‌هایی نیز در جهت استیلای فرهنگی و ارتباطی بر جهان، تدارک می‌دید. در این زمینه، استفاده از نظریه «جریان آزاد اطلاعات» به‌منظور گسترش نفوذ فرهنگی و تسهیل سلطه‌جویی اقتصادی بر جهان و به‌کار گرفتن نظریه «توسعه اقتصادی و اجتماعی از طریق

وسایل ارتباط جمعی»، برای جلوگیری از راه رشد غیرسرمایه‌داری کشورهای جهان سوم و گرایش آنها به سوی سوسیالیسم، از اهمیت فراوان برخوردار است. به‌طوری که می‌توان گفت این دو نظریه، پایه‌های اساسی ایدئولوژی امپریالیسم ارتباطی را تشکیل می‌دهند.^۵

«هربرت شیلر»، در فصل اول کتاب مذکور تحت‌عنوان «سلطه فرهنگی: سرچشمه‌ها، زمینه‌ها و شیوه‌های کنونی»، پس از ذکر عناصر اساسی «نظام - جهان مدرن»، از قول «ایمانوئل والرشتاین»، برای «امپریالیسم فرهنگی»، مشخصات زیر را، ارائه کرده است:

«... واژه امپریالیسم فرهنگی»، نشان‌دهنده نوعی نفوذ اجتماعی است که از طریق آن کشوری، اساس تصورها، ارزش‌ها، معلومات و هنجارهای رفتاری و همچنین روش زندگی خود را به کشورهای دیگر تحمیل می‌کند.

موقعی که کشوری می‌کوشد نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را در کشورهای دیگر گسترش بخشد، طبیعتاً باید انتظار داشت که نفوذ فرهنگی خویش را هم در آنها رواج دهد. در صورتی که این نفوذ به‌طور متقابل بین کشورها صورت گیرد، یک مبادله فرهنگی متعادل و مشروع و دلخواه به‌وجود می‌آید. اما هنگامی که فرهنگ یک کشور مرکزی و تسلط‌جو به‌طور یک‌جانبه به کشورهای تحت استیلای او و به ضرر تمامیت فرهنگی آنها تحمیل می‌شود، «امپریالیسم فرهنگی» مصداق می‌یابد و بدیهی است که مورد اخیر از مورد پیش رایج‌تر است.

امپریالیسم فرهنگی از طریق ارتباطات، یک پدیده اتفاقی و اضطراری نیست. بلکه برای کشورهای امپریالیستی که تلاش می‌کنند بدین‌وسیله تسلط اقتصادی و برتری سیاسی

خود را بر ممالک دیگر، برقرار و حفظ نمایند، یک امر حیاتی است...»^۶

پژوهشگر ارتباطی انتقادنگر آمریکایی، در دنباله نظریه خویش راجع به سلطه فرهنگی، درباره مفهوم «امپریالیسم فرهنگی» و نقش خاص وسایل ارتباطی در فرایند عملکرد آن، چنین نوشته است:

«... امروزه مفهوم امپریالیسم فرهنگی، مجموعه فرایندهایی را که از طریق آن، جامعه‌ای به داخل «نظام - جهان مدرن» کشانده می‌شود، به خوبی توصیف می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه، قشر سلطه‌جوی آن،

■ هریت شیلر در کتاب «ارتباطات و

سلطه فرهنگی» که در سال ۱۹۷۶

منتشر کرد، برای معرفی مظاهر

سلطه سرمایه‌داری معاصر، بر

ایدئولوژی امپریالیسم ارتباطی»

تأکید کرد.

■ واژه امپریالیسم فرهنگی،

نشان‌دهنده نوعی نفوذ اجتماعی

است که از طریق آن کشوری، اساس

تصورها، ارزشها، معلومات و

هنجارهای رفتاری و همچنین روش

زندگی خود را به کشورهای دیگر

تحویل می‌کند.

جذب می‌گردد، تحت فشار و اجبار واقع می‌شود و بعضی اوقات در درون نهادهای اجتماعی در حال شکل‌گیری، آلودگی پیدا می‌کند، تا با ارزشها و ساختارهای مرکز سلطه‌جوی نظام، انطباق یابد یا حتی باعث پیشبرد آنها گردد.

«وسایل ارتباط عمومی»، بهترین نمونه بنگاه‌های عامل‌اند که در فرایند رسوخ، به کار گرفته می‌شوند. برای رسوخ کردن در سطح فراگیر، وسایل ارتباطی، خود نیز بایستی به وسیله قدرت سلطه‌گر رسوخ‌گر، قبضه گردند. این امر، به طور گسترده از طریق تجارتی شدن رادیو-تلویزیون (مطبوعات به گونه نامتغیر، از همان آغاز تجارتی است)، صورت

می‌پذیرد...»^۷

«آرمان ماتلار» Armand Mattelart ،

محقق انتقاداتش معاصر فرانسوی، نیز یکی از پژوهشگران ارتباطی است که در سه دهه اخیر، به مطالعات مربوط به سلطه فرهنگی و ارتباطی جهانی، کمک فراوان کرده است. او در یکی از کتابهای معروف خود، با عنوان «شرکت‌های چند ملیتی و نظام‌های ارتباطی دستگاه ایدئولوژیک امپریالیسم»^۸، ضمن بحث درباره «امپریالیسم فرهنگی»، راجع به «فرهنگ ملی در عصر فراملیتی» به بررسی پرداخته و چگونگی انطباق‌یابی مقتضیات سلطه فرهنگی و ارتباطی کشورهای بزرگ سرمایه‌داری با ضرورت‌های فرهنگ ملی کشورهای پیرامونی را یادآوری کرده است.

وی در این زمینه، چنین نوشته است:

«... در مرحله کنونی تراکم سرمایه، بین‌المللی شدن سوداگری کالاها، فرهنگی، بیش از پیش، همراه با موجی از «ناسیونالیسم فرهنگی»، پیش می‌رود و این امر، حتی در ممالکی که الگوی توسعه آنها، کاملاً با منافع شرکت‌های چند ملیتی، انطباق داده شده، نیز صادق است. همچنان که به‌طور مثال، تکنوکراسی برزیلی با استفاده از عناصر ایدئولوژی‌های دیگری که به قطب امپریالیستی، وابستگی کمتری دارند، در حال دوباره شکل دادن به تکنوکراسی آمریکایی است. در این مسیر، شرایطی پدید می‌آیند که شکل‌های فریبنده‌تر و پنهان‌تر هجوم فرهنگ آمریکای شمالی را برتری می‌بخشند و «ملی کردن» سبک‌ها و الگوها، که محور اصلی تولیدات فرهنگی امپریالیستی را تشکیل می‌دهد، مورد توجه قرار می‌گیرد.

برای شناخت مفهوم «امپریالیسم فرهنگی»، باید قبلاً مفهوم «فرهنگ ملی» را مشخص کرد و این مفهوم نیز به خودی خود و بدون آن که رابطه بورژوازی‌های ملی با کل «امپراتوری» آمریکا، طرف توجه واقع گردد، شناخته نمی‌شود. فرهنگ ملی در عصر شرکت‌های چندملیتی، باید تداوم وابستگی این بورژوازی‌ها به ایالات متحده آمریکا را تأمین کند و در عین حال، تداوم برتری آنها، به عنوان طبقه سلطه‌گر در یک کشور معین را نیز حفظ نماید، یا به عبارت دیگر، خصیلت بورژوازی‌های ملی به منزله «بورژوازی داخلی» را، تداوم بخشد.

چنین چشم‌اندازی، خواهد توانست، از

بحث‌های خالص فرهنگی در زمینه «امپریالیسم فرهنگی»، جلوگیری کند و با پیوند دادن آنها به دگرگونی نقش‌های این بورژوازی‌های جنبه‌های تاریخی و طبقاتی «امپریالیسم فرهنگی» را طرف توجه قرار دهد. «امپریالیسم فرهنگی»، از یک‌سو با توجه به مراحل گسترش سیاسی، اقتصادی و نظامی امپراتوری، شکل و محتوی خویش را تغییر می‌دهد و از سوی دیگر، خود را با واقعیت‌های گوناگون و شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر جوامع، انطباق می‌دهد. با رخنه و نفوذ در میان متزلزل‌ترین عناصر فرهنگ‌های ملی است که امپریالیسم آمریکا، شرایط فراساختی لازم برای رشد و گسترش خویش را، فراهم می‌آورد...»^۹

ب «امپریالیسم ارتباطی»

در دهه ۱۹۷۰، راجع به امپریالیسم ارتباطات و وسایل ارتباطی هم مطالعات فراوانی، دنبال گردیدند، که در میان آنها، بررسی‌های یک محقق انگلیسی، به نام «اولیویر بوید - بارت» Olivier Boyd - Barrett ، به سبب پیشگامی وی در معرفی ویژگی‌های این امپریالیسم، اهمیت خاص دارند.

این پژوهشگر ارتباطی، در مقاله‌ای که در سال ۱۹۷۷، با عنوان «امپریالیسم وسایل ارتباطی به سوی یک چارچوب عملی بین‌المللی برای تجزیه و تحلیل نظام‌های وسایل ارتباطی»، در مورد مشخصات آن، چنین نوشته است:

«... امپریالیسم وسایل ارتباطی، شکل‌های گوناگون فعالیت‌های بین‌المللی این وسایل را، که معرف چگونگی اعمال نفوذ آنهاست، در برمی‌گیرد. تجزیه و تحلیل علمی فعالیت‌های بین‌المللی وسایل ارتباطی آشکار می‌سازد که این نفوذگذاری از دو عامل غیرعادی ناشی می‌شود. یکی از این دو عامل، یک جهتی بودن جریان بین‌المللی ارتباطات و عامل دیگر، معدود بودن تعداد کشورهای صاحب نفوذ است، که منشاء و منبع تأثیرگذاری ارتباطات بین‌المللی، در سراسر جهانند...»^{۱۰}

پژوهشگر مذکور، درباره زمینه‌های امپریالیسم وسایل ارتباطی و تأثیرهای آن در ایجاد «هجوم فرهنگی» و عدم تعادل ارتباطی، نیز چنین افزوده است:

«... با مطالعه آثار عده‌ای از پژوهشگران، که در سال‌های اخیر در این مورد به بررسی پرداخته‌اند، می‌توان گفت واژه «امپریالیسم

وسایل ارتباطی»، معرف آن است که چهار زمینه خاص، شامل «مالکیت»، «سازمان»، «توزیع» و همچنین «محتوی» وسایل ارتباطی یک کشور تحت تأثیر ذاتی فشارهای خارجی ناشی از منافع وسایل ارتباطی کشور یا کشورهای دیگر، قرار دارند. بدون آنکه کشور تحت فشار گذاشته شده، تأثیر نسبی متقابلی بر کشورهای صاحب فشار، وارد کند. بنابراین، متقابل نبود نفوذ وسایل ارتباطی بین کشور نفوذ گذار و کشور نفوذ پذیر، از یک طرف، عامل «هجوم فرهنگی» Cultural Invasion یک کشور صاحب قدرت بر کشورهای دیگر می شود و از طرف دیگر، عامل «عدم تعادل منابع قدرت» Inbalance of Power Resources بین ممالک مختلف می گردد. بنابراین، با توجه به دو عنصر «هجوم فرهنگی» و «عدم تعادل منابع قدرت» به کار بردن واژه «امپریالیسم» در مورد وسایل ارتباطی، توجیه می شود...»^{۱۰}

پ. جایگاه «امپریالیسم ارتباطات» در «تئوری ساختاری امپریالیسم» یکی از جامع ترین نظریه های مربوط به سلطه جهانی در تاریخ جدید و معاصر، «تئوری ساختاری امپریالیسم» است، که در اوایل دهه ۱۹۷۰، از سوی «یوهان گالتونگ» Johan Galtung متفکر مشهور نروژی، ارائه شده است.^{۱۱}

وی در تشریح این تئوری، پس از مقدمه ای درباره عوامل اصلی پیدایی امپریالیسم و تأکید خاص بر تعارض و تقابل منافع اقتصادی گروه های کوچک صاحب ثروت و گروه های بزرگ فقیر در جوامع مرکزی و پیرامونی سرمایه داری و طبقات اجتماعی درونی آنها، ابتدا «تعریف امپریالیسم» را بیان می کند. سپس براساس این تعریف، «مکانیسم های امپریالیسم» را معرفی می نماید. آنگاه، «انواع امپریالیسم»، شامل «امپریالیسم اقتصادی»، «امپریالیسم سیاسی»، «امپریالیسم نظامی»، «امپریالیسم ارتباطات»، «امپریالیسم فرهنگی» و «امپریالیسم اجتماعی» را، از هم متمایز می سازد. به دنبال آن، «مراحل امپریالیسم» کولونیا لیزم، نئوکولونیا لیزم و کولونیا لیزم را توصیف می کند و در پایان بحث خود، از «تبدیل پذیری انواع امپریالیسم» و جایگزینی یا همراهی آنها با یکدیگر، سخن می گوید. وی در

■ دو نظریه «جریان آزاد اطلاعات» و «توسعه اقتصادی و اجتماعی از طریق وسایل ارتباط جمعی»، پایه های اساسی ایدئولوژی امپریالیسم ارتباطی را تشکیل می دهند.

■ امپریالیسم فرهنگی از طریق ارتباطات، یک پدیده اتفاقی و اضطراری نیست. بلکه برای کشورهای امپریالیستی که تلاش می کنند بدین وسیله تسلط اقتصادی و برتری سیاسی خود را بر ممالک دیگر برقرار و حفظ نمایند، یک امر حیاتی است.

نتیجه گیری نهایی بررسی های خویش در این زمینه، «استراتژی های مقابله با امپریالیسم»، در جهت دگرگونی ساختاری نظام سلطه بین المللی را نیز عرضه می نماید.

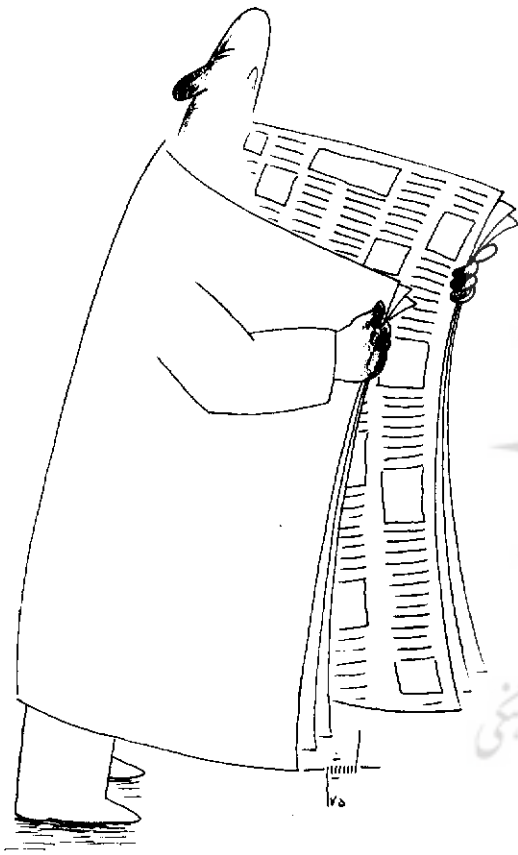
جایگاه مهمی که در ارائه این تئوری، ضمن تشریح انواع امپریالیسم، به «امپریالیسم ارتباطات» و «امپریالیسم فرهنگی» داده شده است و نقش اساسی و تعیین کننده ای که در معرفی «مراحل امپریالیسم»، برای ارتباطات در آخرین مرحله آن موسوم به «نئو-نئوکولونیا لیزم» و همچنین در جریان تبدیل پذیری و جایگزینی انواع امپریالیسم، در نظر گرفته شده است، بسیار قابل توجه اند.

ت. «امپریالیسم ارتباطی» و روابط سلطه و وابستگی جهانی

بسیاری از متفکران و محققان معاصر، در مطالعات انتقادی خود در مورد سلطه جهانی سرمایه داری، «امپریالیسم» را به عنوان یک پدیده گسترده مبتنی بر روابط سلطه و وابستگی کشورهای مرکزی و پیرامونی طرف توجه قرار داده اند و ویژگی های «امپریالیسم ارتباطی» را در چارچوب روابط اخیر، ارزیابی کرده اند.

«انور عبدالملک»، متفکر معروف مصری، که در دهه های اخیر پژوهش های مهمی در زمینه تحولات تاریخی و شیوه های نوین استعماری در کشورهای جهان سوم و به ویژه ممالک عربی، دنبال نموده است، درباره «امپریالیسم» در دوره معاصر، چنین نوشته است:

«... به طور روشن، امپریالیسم یک پدیده جهانی را تشکیل می دهد. امپریالیسم، بر وجود یک مرکز برتری جو- ایالات متحده آمریکا که یک پیرامون، یعنی فضای سه قاره - آسیا،



آفریقا و آمریکای لاتین - را زیر سلطه و استثمار دارد، استوار است...»^{۱۲} بررسی آثار فرهنگی منفی ارتباطات جمعی در جوامع وابسته پیرامونی، در مطالعات دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ محققان انتقادنگر، جایگاه بسیار مهمی کسب کرده بودند.

«جولیان برتون» Julianne Burton و «جان فرانکو» Jean Franco، دو محقق آمریکایی، در مقاله ای تحت عنوان «فرهنگ و امپریالیسم»، که به عنوان مقدمه شماره مخصوص پاییز ۱۹۷۸ مجله «چشم اندازهای آمریکای لاتین» در مورد «فرهنگ در عصر وسایل ارتباط جمعی» نگاشته اند^{۱۳} یادآوری



■ یکی از جامع‌ترین نظریه‌های
مربوط به سلطه جهانی در تاریخ
جدید و معاصر، «تئوری ساختاری
امپریالیسم» است، که در اوایل دهه
۱۹۷۰، از سوی «یوهان گالتونگ»
نروژی، ارائه شد.

آمده‌اند. هرچند واژه‌هایی چون «امپریالیسم فرهنگی»، «وابستگی فرهنگی» نیاز به بازنگری دارند، اما کاربرد ابزاری و وسایل ارتباطی در ترویج ارزش‌های امپریالیستی را نمی‌توان به فراموشی سپرد. به دنبال توسعه عملکرد تجارتي ارتباطات جمعی در آمریکای لاتین، نظریه‌پردازان ایالات متحده مانند ویلیام شرمان، پیش از هر چیز، خاطرنشان ساخته که جریان آزاد اطلاعات از طریق وسایل ارتباط جمعی، باید عامل تشویق شیوه‌های تولیدی و الگوها و رویه‌های اجتماعی باشند. گزارش‌های سالانه «بنیاد راکفلر» نیز بر اهمیت وسایل ارتباط جمعی در پیشبرد دگرگونی‌ها، تأکید گذاشتند. سلطه برنامه‌های ایالات متحده بر تلویزیون‌های آمریکای لاتین، آخرین مرحله رسوخ فرهنگی را مشخص می‌سازد. با وجود این، آن‌چنان که «لودوویکوسیلوا» Ludovico Silva و «آنتونیوپاسکوالی» Antonio Pasquali، پژوهشگران ارتباطی ونزوئلایی و محققان دیگر، خاطرنشان می‌سازند، مرحله مذکور، به سبب نیروی نفوذ بسیار بیشتر تلویزیون، نسبت به فیلم‌های سینمایی و رادیو، مرحله فوق‌العاده خطرناکی است. انتقال برنامه‌های تلویزیونی از طریق ماهواره‌ها، تولید برنامه‌های آموزشی بسته‌بندی شده برای تمام کشورها، جانشینی اخبار مهم محلی با اخبار بین‌المللی، که بیشتر به صورت سرگرم‌کننده ارائه می‌شوند، تمام اینها، معرف یک وضع کیفی جدیداند. به همین لحاظ، «سیلوا» معتقد است که وسایل ارتباط جمعی به‌عنوان دستگاه‌های ایدئولوژیکی سلطه، جای مدرسه و کلیسا را گرفته‌اند و به‌صورت ابزارهای بسیار مؤثر امپریالیسم درآمده‌اند به‌گونه‌ای که وابستگی را در عمق اندیشه استعمارزده مردم آمریکای لاتین، تداوم می‌دهند و تحکیم می‌کنند.

کرده‌اند که وسایل ارتباطی به ویژه تلویزیون در ممالک مستعمره سابق و وابسته کنونی در مقایسه با کشورهای غربی، تأثیرات اجتماعی متفاوتی، پدید می‌آورند: «... هر نظریه جهانی مربوط به تولید و دریافت پیام‌های ارتباطی، باید با یک نظریه ویژه، درباره شرایط خاص تولید فرهنگی در کشورهای وابسته، تکمیل شود. زیرا در کشورهای اخیر، بر اثر باقی ماندن سنت ارتباط شفاهی در دوره‌ای بسیار طولانی پس از زوال آن در اروپا، وضع خاص روشنفکران به عنوان نخبگان بدون قدرت، شکست بورژوازی در پدید آوردن یک قدرت فرهنگی و حضور یک فرهنگ کلان شهری خارجی، شرایط محلی متفاوتی وجود دارند. وسایل ارتباطی جدید (پیش از همه سینما)، با ورود به جوامعی که در آنها، بین روشنفکران بسیار پیشرفته و بخش‌های دارای تحصیلات پایین و اغلب بی‌سواد، شکاف فرهنگی بسیار بیشتری نسبت به اروپا وجود دارد، به صورت ابزارهای آنچه با حسن تعبیر، «نوسازی» نامیده شده است، در

■ انور عبدالملک متفکر معروف

مصری، در دهه‌های اخیر،

پژوهش‌های مهمی در زمینه تحولات

تاریخی و شیوه‌های نوین

استعماری در کشورهای جهان سوم

و به‌ویژه ممالک عربی، دنبال نموده است.

■ انور عبدالملک درباره امپریالیسم

در دوره معاصر چنین نوشته است:

امپریالیسم بر وجود یک مرکز

برتری جو - ایالات متحده آمریکا - که

یک پیرامون، یعنی فضای سه قاره -

آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین - را زیر

سلطه و استعمار دارد، استوار است.

«پاسکوالی» نیز یادآور می‌شود که کشورهای وابسته، تاحدی به سبب کمبودهای تکنولوژیکی، به صورت بازار عرضه فرآورده‌های بسیار کم‌ارزش و مبتذل، نظیر فیلم‌های سینمایی درجه دو و برنامه‌های نمایشی تلویزیونی درجه سه درآمد دارند. در چنین شرایطی، وسایل ارتباط جمعی، نیازی به ارائه پیام‌های مفید ندارند، زیرا یکی از وظایف این وسایل آن است که فقط نشان «نوسازی» باشند و شیوه‌های دیگر ارتباطی را بی‌اعتبار سازند.^{۱۲}

ث - ارزیابی «امپریالیسم وسایل ارتباطی» با توجه به «نظریه وابستگی»

«فرد فیجس» Fred Fejes، پژوهشگر ارتباطی انتقاداندیش آمریکایی، از جمله محققانی است که در مطالعات خود، بر ضرورت بررسی «امپریالیسم ارتباطی»، در قالب مسائل «سلطه و وابستگی»، تأکید گذاشته است. وی در مقاله‌ای که در سال ۱۹۸۱، راجع به «ارزیابی امپریالیسم وسایل ارتباطی»^{۱۵} منتشر کرده برای معرفی ویژگی‌های این امپریالیسم، تعارض و تضاد نظریه «نوسازی» Modernization و نظریه «وابستگی» Dependency را خاطر نشان ساخته است. او در این مقاله، یادآور شده است که نظریه «نوسازی»، با دیدگاه خوش‌بینانه آن نسبت به جنبه‌های مثبت عوامل و شاخص‌های نوسازی و همچنین اندیشه‌ها و ارزش‌های مربوط به آن، بر عوامل داخلی توسعه‌نیافتگی، تکیه دارد و استفاده از پیام‌های وسایل ارتباط جمعی در کشورهای جهان سوم را سبب دگرگونی رفتار فردی در جهت پیشرفت به سوی جامعه مدرن می‌شناسد. در صورتی که نظریه «وابستگی»، به سبب دیدگاه بدبینانه آن در مورد زمینه‌ها و نشانه‌های نوسازی تقلیدی و نقش منفی عوامل خارجی در عقب‌ماندگی ممالک آسیایی و آفریقایی و آمریکای لاتین، کاربرد پیام‌های ارتباطات جمعی را باعث ادامه سلطه کشورهای بزرگ سرمایه‌داری در کشورهای پیرامونی، تلقی می‌کند.

به عقیده این محقق، نظریه «وابستگی» را می‌توان نوعی برداشت جدید درباره سلطه سرمایه‌داری و به عبارت دیگر، وجه مقابل نظریه‌های امپریالیسم و به‌ویژه، مفهوم مارکسیست لنینیستی آن شناخت، به موجب

این نظریه، توسعه ملی واقعی، به معنای «رهایی» Liberation از وابستگی معرفی می‌شود. بر این اساس، نظریه وابستگی دارای سه ویژگی مهم است:

۱- این نظریه بر تجزیه و تحلیل اوضاع و احوال تاریخی خاص جوامع وابسته، استوار است.

۲- در نظریه مذکور، به نقش نیروها و عوامل خارجی و مافوق ملی، که موجب ایجاد و حفظ توسعه‌نیافتگی جهان سوم شده‌اند، تکیه می‌گردد و در این میان، برای کمپانی‌های فراملی، اهمیت زیادی در نظر گرفته می‌شود.

البته، مطالعه شرایط وابستگی نشان می‌دهد که بین عوامل داخلی، مانند ساختار طبقاتی و شرایط تاریخی و همچنین عوامل خارجی، مثل کمپانی‌های بزرگ فراملی و نهادهای مالی بین‌المللی، روابط پویایی وجود دارند. بنابراین به قول «فرناندو کاردوسو» Fernando Cardoso، یکی از چهره‌های مشهور نظریه وابستگی (و رئیس جمهوری کنونی برزیل)، در این باره، تنها استناد به مداخله «سازمان مرکزی اطلاعات» The Central Intelligence Agency (C.I.A.) آمریکا، در امور سیاست خارجی و دست نامرئی و ماکیاوولی کمپانی‌های چندملیتی کافی نیست و برای شناخت شرایط وابستگی و توسعه‌نیافتگی، باید به عوامل داخلی که در اوضاع و احوال خاص تاریخی، برای حفظ وضع وابسته جوامع پیرامونی عمل می‌کنند، نیز توجه دقیق داشت. بر این مبنای اهمیت «نظریه‌های توطئه» Conspiracy Theories، تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد و به گسترش شناخت پیچیدگی جوامع جهان سوم و روابط آن‌ها با کشورهای توسعه‌یافته، توجه بیشتری معطوف می‌گردد.

۳- ویژگی دیگر نظریه وابستگی، اهمیت جنبه‌های نظری و روش‌شناختی آن است. این نظریه، مدعی آن نیست که یک الگوی دقیقاً منسجم و هم‌بافت و حاری پیشنهادی شکل‌ی مشخص و قابل آزمون را تشکیل می‌دهد، بلکه همان‌گونه که برخی از هواداران آن یادآوری می‌کنند، «یک شیوه چارچوب‌گذاری» A way of Framing مسائل توسعه‌نیافتگی، بشمار می‌رود.^{۱۶}

بنابراین پژوهشگر ارتباطی یادشده، معتقد است که مسائل مورد توجه محققان انتقادنگر در پژوهش‌های آن‌ها راجع به «امپریالیسم

■ گالتونگ، انواع امپریالیسم را

شامل «امپریالیسم اقتصادی»،

«امپریالیسم سیاسی»، «امپریالیسم

نظامی»، «امپریالیسم ارتباطات»،

«امپریالیسم فرهنگی»، «امپریالیسم

اجتماعی» می‌داند.

وسایل ارتباطی را می‌توان در قالب رویکرد مطالعات «وابستگی»، قرار داد. با نگاهی به تاریخ روشنفکری گسترش اندیشه‌های توسعه، شاید بتوان نتیجه گرفت که طرح‌ریزی رویکرد «امپریالیسم وسایل ارتباطی»، نوعی همزاد و همراه الگوی وابستگی محسوب می‌شود و به موازات این الگو، گسترش یافته است. اما در عمل، با وجود نزدیکی‌های فراوان آن‌ها، بین محققان علوم اجتماعی، که در زمینه «وابستگی» کار می‌کنند و پژوهشگران ارتباطات، که در مورد «امپریالیسم وسایل ارتباطی» به بررسی می‌پردازند، رابطه فعال متقابل، وجود ندارد. زیرا آن‌ها که در زمینه‌های جامعه‌شناسی، اقتصاد و سایر شاخه‌های علوم اجتماعی به مطالعه می‌پردازند، عموماً از مطالعات پژوهشگران ارتباطات، بی‌اطلاعند و حتی ارتباطات را به‌عنوان یک عنصر کم‌اهمیت در ساختار کلی «وابستگی»، می‌شناسند و از توجه لازم به آن، خودداری می‌نمایند. محققان ارتباطات هم اغلب جز نقل برخی عبارات از نظریه پردازان «مکتب وابستگی»، مانند «آندره گوندرفرانک»، به ندرت راجع به مطالعات توسعه، آگاهی‌های کامل دارند. البته در این میان، استثناهایی نیز وجود دارند. توجه و شناخت خاص برخی محققان علوم اجتماعی، مانند «اوسوالدو سانکل» Osvaldo Sankel و «ادموندو فونزالیدا» Edmundo F. Fuenzalida، نسبت به زمینه‌های فرهنگ و ارتباطات و رابطه آن‌ها با مسائل وسیع «وابستگی» و همچنین آثار مطالعاتی خانم «ریتا کروئیس اوبراین» Rita Cruise O'Brine، که با آگاهی از ابعاد گسترده «نظریه وابستگی» به مطالعه زمینه‌های سلطه ارتباطی، می‌پردازد و همچنین پژوهش‌های خانم «راکوئل سالیناس» Raquel Salinas و خانم «لینا پالدان» Leena



Paldan، که یک تجزیه و تحلیل مبتنی بر وابستگی را با بحث فرهنگ در یک جامعه وابسته، توأم کرده است و مطالعه «چین-چوآن لی» Chin-Chuan Lee، که با توجه خاص به آثار «آندره گوندرفرانک»، نظریه وابستگی را در مباحث نظری و روش شناختی «امپریالیسم وسایل ارتباطی»، بکار گرفته است، نمونه‌های برجسته این استثناها، بشمار می‌روند.^{۱۷}

بدین ترتیب، برای پیشرفت بیشتر در مطالعه «امپریالیسم وسایل ارتباطی»، به عقیده «فرد فیجس»، باید بررسی‌های مربوط به آن، در چارچوب گسترده‌تر مطالعات «وابستگی»، صورت گیرند.^{۱۸}

پژوهشگر مذکور، برای بهره‌گیری بیشتر از نتایج مطالعات «رویکرد وابستگی» در تحکیم بررسی‌های مربوط به «امپریالیسم»، توجه به نکات زیر در مطالعات ارتباطی، را ضروری شناخته است:

۱- تأکید فراوان بر نقش شرکت‌های فراملی و منافع خاص آنها در شکل‌دهی ارتباطات بین کشورهای پیشرفته و کشورهای جهان سوم، نوعی دیدگاه نامتعادل در این زمینه پدید می‌آورد و سبب می‌شود که «امپریالیسم وسایل ارتباطی» پیش از هر چیز، نتیجه عوامل خارج جامعه وابسته تلقی گردد. بااین دیدگاهی، نیروها و عوامل موجود در سطح ملی یا محلی، که در برابر تداوم «امپریالیسم وسایل ارتباطی» حضور دارند و علیه آن عکس‌العمل نشان می‌دهند، نادیده گرفته می‌شوند و مهم‌تر آن که بر اثر این دیدگاه، روابط و پویایی‌های پیچیده‌ای که بین عوامل و نیروهای خارجی و داخلی موجودند، تاریک گذاشته می‌شوند. بنابراین، شایان اهمیت است که در چارچوب برداشت «امپریالیسم وسایل ارتباطی» مطالعات مربوط به ارتباطات فراملی، با مطالعاتی که بر ارتباطات و منافع راجع به آن

در سطح داخلی تأکید می‌گذارند، تکمیل گردند. چنین مطالعاتی، می‌توانند توسعه و عملکرد امکانات و وسایل مختلف ارتباطی را در اوضاع و احوال خاص پویایی‌های طبقات اجتماعی و قدرت سیاسی، که در درون یک کشور و در قالب شرایط مشخص آن کشور به عنوان یک جامعه وابسته، عمل می‌کنند، قرار دهند و بر این اساس، به آنها بنگرند. به‌طور مثال، بر این مبنا، می‌توان مشخص ساخت که کدام گروه‌ها، وسایل ارتباطی را کنترل می‌کنند، ارتباطات و اطلاعات، چه هدف‌هایی را دنبال می‌نمایند و وسایل ارتباطی یک کشور، چه

■ **کاردوسو، یکی از چهره‌های مشهور نظریه وابستگی، معتقد است که برای شناخت شرایط وابستگی و توسعه‌نیافتگی، باید به عوامل داخلی که در اوضاع و احوال خاص تاریخی، برای حفظ وضع وابسته جوامع پیرامونی عمل می‌کنند، نیز توجه دقیق داشت. براین مبنا، اهمیت «نظریه‌های توطئه»، تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد و به گسترش شناخت پیچیدگی جوامع جهان سوم و روابط آنها با کشورهای توسعه‌یافته، توجه بیشتری معطوف می‌گردد.**

systemes de communication: les Appareils
Idéologiques de L'Imperialisme Paris: Editions
Anthropos, 1976, p.p. 296,297.

9. Olivier Boyd- Barrett "Media
Imperialism: towards an International
Framework for the Analysis of Media systems",
In James Curran et al. (eds.) Mass
communication and society London; Edward
Arnold, 1977, PP. 116-135.

10. Ibid. PP. 118-119.

11. Johan Galtung. "A Structural theory of
Imperialism". Journal of Peace Research, vol. 8,
No. 2, 1971, pp. 81-117.

متفکر نروژی در یکی از کتاب‌های خود و مقاله‌ای که در
سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱ منتشر کرد، در طرز ارائه این تئوری
تغییراتی پدید آورد و آن را با دگرگونی‌های ده سال بعد،
همانگ ساخت. برای آگاهی از این تغییرات می‌توان به کتاب و
مقاله زیر، مراجعه کرد:

Johan Galtung. the true world: A
transnational perspective. Newyork: the free
press, 1980, pp. 107-178. "A structural theory of
Imperialism: ten years later" Millenium: Journal
of International studies (London), vol. 9, No. 3,
winter 1980-81, pp. 183-196.

12. Anouar Abdel- Malek. "Pour une
sociologie del' Imperialisme". In La Dialectique
sociale paris: Le seuil, 1972, p. 383.

13. Gulianne Burton and Gean franco.
"culture and Imperialism, Latin American
Perspectives. vol. 5, no.1, winter 1978. special
Issue on "culture in the age of mass Madia." pp.
2-12

14. Ibid. P.P. 8-10.

15. Fred. Fejes. "Media Imperialism: An
Assessment". Media, Culture and society, vol. 3,
1981, pp. 281-289.

16. Ibid. P.P. 283-284.

17. Osvaldo sunkel. the Effects of
transnational corporations on culture. sussex,
U.K. university of sussex, 1975.

-Rita cruise O'Brien. "Mass Communications:
Social Mechanisms of Incorporation and
Dependence". in Jose J.villamil. transnational
capitalism and National Development: New
Perspective on Dependence. Hassocks, sussex,
U.K.; the Harvester press, 1979, pp. 129-143.

- Salinas, R. and L.paloan. "culture in the
process of Dependent Development: theoretical
Perspectives in kaarl Nordenstreng and Herbert
I. Schiller (eds) National sovereignty and
International Communication. Norwood, n.j. :
Ablex, 1979, pp. 82-89.

Chin- chuan lee. Media Imperialism
Reconsidered: the Homogenizing of television
culture. Beverly Hills, CA; Sage, 1980.

18. Fred Fejes. "Media Imperialism: An
Assessment". pp. 285, 286.

19. Ibid. P.P. 287-288.

■ پژوهشگرانی که در زمینه‌های جامعه‌شناسی، اقتصاد و سایر شاخه‌های
علوم اجتماعی به مطالعه می‌پردازند، عموماً از مطالعات محققان ارتباطات،
بی‌اطلاع‌اند و حتی ارتباطات را به‌عنوان یک عنصر کم‌اهمیت در ساختار کلی
«وابستگی»، می‌شناسند. محققان ارتباطات هم اغلب جز نقل برخی عبارات از
نظریه‌پردازان «مکتب وابستگی»، به ندرت راجع به مطالعات توسعه،
آگاهی‌های کامل دارند.

با مقتضیات شتاب‌آمیز مسائل جاری روز،
راجع به نقش ارتباطات در مناسبات مربوط به
سلطه و وابستگی در دوره پیش از جنگ
جهانی دوم، آگاهی‌های زیادی بدست
نمی‌دهد. بنابراین، ضروری است که مطالعات
«امپریالیسم وسایل ارتباطی»، در چشم‌انداز
تاریخی گسترده‌تری جای داده شوند، به گونه‌ای
که نه تنها برای رویکرد موردنظر، فضای
مساعدتر و قدرت بیشتری فراهم آورند، بلکه
روابط متقابل بسیار پیچیده‌ای را که در طول
زمان بین توسعه و گسترش وسایل ارتباطی و
نیروها و عوامل وابسته به روند سلطه و
وابستگی، وجود داشته‌اند، نیز آشکار سازند.
فقط با شناخت «امپریالیسم وسایل ارتباطی»
به‌مثابه یک پدیده تاریخی قابل لمس، که در
اوضاع و احوال گسترده سلطه‌گری عمل
می‌کند، می‌توان به تدارک و تدوین مؤثر و
کامل استراتژی‌های معاصر برای مقابله با آن،
امید داشت.^{۱۱} □

پی‌نویس‌ها:

1. Raymond Aron. Paixet Cuerre entre les
Nations. Paris: Calmann-Lèmy. 1962. P.P.
263,264.

2. Ibid. P. 281.

3. V.Lenin- L' Impe'rialisme, Stade
Supr'eme du capitalisme: Essaide vulgarisation.
moscou: Editions en langues Etrangeres,
sansdate, pp. 100-102.

4. Herbert I. Schiller. Communication and
cultural Domination. White Plains, N.y.:
International Arts and sciences press, 1976.

5. Ibid. P.P. 46-67.

6. Ibid. P.P. 5-23.

7. Ibid. P.P. 9-10.

8. Armand Mattelart- Multinationales et

